

جنگ نرم از دیدگاه قرآن

سید محمد - ضیغمیان

مقدمه

تاریخ همیشه شاهد مقابله ی بین جبهه ی حق و باطل بوده و این جنگ در هر دوره و زمان شکلی متناسب با آن دوره به خود گرفته و هر یک از طرفین سعی در حفظ ارزشهای خود و یا تلاش برای نابودی ارزشهای طرف مقابل داشته اند. در حال حاضر که مناسبات سیاسی و فرهنگی در جهان امکان جنگ مستقیم را به حکومت ها نمی دهد آنها تلاش می کنند با روشی که در حال حاضر به جنگ نرم معروف شده است اهداف خود را عملی کنند.

دوره ی معاصر زمان جنگ نرم و تقابل بی صدای بین طرفین است. مانند آنکه با اسلحه هایی که به جای گلوله محتوی اندیشه هستند به مغز یکدیگر شلیک کنیم. در این تقابل برنده کسی است که بتواند از روشهای بهتر به نحو درست تری استفاده کند. البته این روش ها هم تابع قوانین و مقرراتی است که فرد بر اساس باورها و اعتقادات الهی به آنها گردن نهاده است زیرا کسی که به ذات الهی ایمان نداشته باشد از هیچ عمل زشتی فروگذار نمی کند.

ما به عنوان مسلمان باید بر اساس آموزه های دین و سیره ی پیامبر و امامان با این موضوع مواجه شده و مقابله کنیم و نکته ی مهم در این زمینه در ابتدا شناختن درست دوست و بعد شناخت دشمن است، چرا که در ابتدا باید خودی را از غیر خودی شناخت بعد به مقابله پرداخت.

خداوند قرآن را به عنوان راه هدایت معرفی کرده و بیان می دارد که هدایت برای متقین است و می فرماید: این است همان کتابی که در آن هیچ شکی نیست. پرهیزکاران را راهنماست. «کافران اهل کتاب، و (همچنین) مشرکان، دوست ندارند که از سوی خداوند، خیر و برکتی بر شما نازل گردد».

قرآن کریم می فرماید: شما به سمت کمال و پیشرفت گام بردارید و به همین دلیل به مقابله با شما می پردازند. باز دارندگی نوع بشر از مسیر هدایت و کمال با مه آلود کردن فضا و به تصویر کشاندن راه درست به راه غلط همان جنگ نرمی است که همواره باطل در برابر جریان حق دنبال کرده و می کند.

البته در حال حاضر در کشورهای غربی که ادعای حقوق بشر و آزادی های برابر را دارند و در شبکه ها و ماهواره های خود خود را مهد تمدن و آزادی معرفی می کنند و ذهن جوانان و مردم کشورهای جهان سوم را شستشو می دهند در راستای اهداف شوم خود این انحطاط تا آنجا پیش رفته که به صورت قانونی و در برابر دوربین های تلویزیون ها روسری از سر دانشجویان مسلمان می کشند و آنها را صرفاً به جرم مسلمان و باحجاب بودن در کشورهایی که خود را مهد آزادی فکر و اندیشه می دانند از تحصیل محروم کرده و به زندان می فرستند تا به سرکوب اسلام و مسلمانان در کشور خود پردازند.

در حالی که بعضی مردم کشورهای جهان سوم که تحت تاثیر برنامه های منحنی شبکه های غربی قرار گرفتند به گفته ی قرآن مثل افراد چشم و گوش بسته ای شده اند که شیطان و حکومت های استکباری آنها را مثل بز اخفش به دنبال خود می کشند و از این افراد به عنوان برده ی سیاست های خود استفاده می کنند.

دشمنان اسلام صریحاً اعلام می کنند ما با جمهوری اسلامی، مبارزه سیاسی نخواهیم کرد، بلکه کار ما صرفاً فرهنگی و اصولاً استراتژی جدید ما مبارزه فرهنگی است. ما باید بینش و فرهنگ مردم را عوض کنیم تا جمهوری اسلامی ساقط شود.* از این روی پس از جنگ تحمیلی به ساماندهی یک حرکت تهاجمی فرهنگی، علیه نظام اسلامی پرداختند. سرگرم بودن دولت سازندگی به بازسازی ویرانه های وسیع ناشی از جنگ تحمیلی و غفلت از مقوله فرهنگ دینی و اسلامی نیز، بستر مناسبی را برای این حرکت خطرناک فراهم کرد. تفکر تکنوکراتی و فن سالاری در این دوره،

(*شجاع الدین شفا، نویسنده ضد انقلاب در خارج از کشور، کتاب هویت ص ۱۹)

جایگزین تفکر مبتنی بر زهد، اخلاص، پارسایی، ایثار، پرکاری و کم توقعی گردید و لیبرالیسم فرهنگی نیز در سایه این غفلت مجدداً جان گرفت و حرکت خزنده خود را به سوی بنیان های فرهنگی و عقیدتی مردم آغاز کرد.

تعریف جنگ نرم

جنگ نرم مقابله و تلاشی است از طرف نیروهای شیطان و استبداد برای به نابودی و مظللت کشاندن و برگرداندن مسلمانان از راه نجات، چنان که شیطان وعده ی آن را داده است.

این مقابله عموماً در عرصه های گوناگون فرهنگی اجتماعی سیاسی اتفاق می افتد و ابزار کاربردی آن ناتوی فرهنگی است که در قالب ابزارهای دیپلماسی عمومی و روانی و رسانه ای عمل می کند. هدف آن تضعیف ثبات و امنیت اجتماعی، فرهنگی بوده و دوره آن بلند مدت است؛ از این رو می توان تهدید یا براندازی نرم را تلاش دشمن جهت تسلط کامل در ابعاد گوناگون بر یک جامعه دانست که این تسلط با زدودن الگوهای رفتاری و هنجارهای ارزشی جامعه مورد تهاجم و جایگزینی الگوها و ارزشهای جامعه مهاجم محقق می گردد. در این نوع تهدید و جنگ، کشور مهاجم بدون خونریزی و با طی کردن پروسه زمانی آرام و بدون نیاز به نیروهای نظامی بلکه با استفاده از استحاله فکری و فرهنگی یک جامعه، سلطه همه جانبه خود را بر آن جامعه تحمیل کرده و با روش نرم افزاری حساب شده آنان را مطیع خود می گرداند، در یک کلام می توان جنگ نرم را اینگونه تعریف نمود: «اجرای برنامه ای حساب شده، مسالمت آمیز و دراز مدت برای نفوذ در ارکان سیاسی/اجتماعی یک نظام به منظور تغییر سیستم سیاسی یک کشور با ایجاد تغییر و تحول اساسی در باورهای اساسی و اصلی آن»

ابزار و اهداف جنگ نرم

با توجه به تعریفی که از جنگ نرم صورت پذیرفت می توان ابزارهای این جنگ را بسیار ساده و کم هزینه دانست که این سادگی در عین حال بسیار پیچیده و کاربردی تر از جنگ سخت است چرا که نیاز به لشگرکشی و مقاومت های فیزیکی ندارد، بلکه با تصرف فکر، اندیشه و اراده یک جامعه و نفوذ آرام در لایه های فکری آن جامعه صورت می پذیرد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی: «جنگ نرم یعنی جنگ بوسیله

ابزارهای فرهنگی به وسیله نفوذ به وسیله دروغ به وسیله شایع پراکنی با ابزارهای پیشرفته ای که امروز وجود دارد ابزارهای ارتباطی که ۱۰ سال قبل و ۱۵ سال قبل و ۳۰ سال قبل نبود امروز گسترش پیدا کرده جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم «ابزارهای گوناگونی جهت اجرای این تهدید وجود دارد که شامل: ابزارهای تبلیغات، رسانه، احزاب، شبهه پراکنی، تربیون‌های آزاد، جوسازی روانی، شایعه سازی و... از جمله این ابزار است و هدف فتح سنگرهای فکری و عقیدتی یک جامعه است: «در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید مراکز مرزی ما را سعی می‌کند منهدم کند تا بتواند در مرز نفوذ کند در جنگ روانی و آنچه که امروز به آن جنگ نرم گفته می‌شود دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند»

ویژگی های جنگ نرم

- ۱، ماهیت این تهدید آرام، تدریجی و نرم افزارانه است.
- ۲، در این تهدید اعتقادات باورها و الگوهای رفتاری یک ملت دستخوش تغییر و تحول قرار می‌گیرد.
- ۳، در زمینه ی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است
- ۴، مدت و پروسه آن طولانی مدت است
- ۵، فاصله انداختن بین رهبران جامعه و مردم
- ۶، به وسیله ی نیروهای داخلی دشمن و با ساپورت خارجی انجام میشود
- ۷، بین طبقات مختلف فاصله می اندازد
- ۸، بین گروه ها و عقاید و عقلیت ها با اکثریت تفرقه می اندازد

جنگ نرم از دیدگاه قرآن

با توجه به تعاریفی که از جنگ نرم صورت گرفت، می‌توان تحلیل و تبیین ابعاد آن را از لابه‌لای آیات شریفه قرآن جستجو نمود. خداوند در قرآن وجود جنگ نرم و تلاش پنهان دشمن جهت راه اندازی آن را هشدار می‌دهد و سپس سردمداران این تهدید بزرگ را معرفی کرده و عاقبت بطور مفصل روش‌های بر اندازی نرم توسط دشمنان جریان حق را افشاء می‌نماید.

خداوند متعال پس از هشدار به وجود جنگ نرم، دشمنان شیطان را شکل دهنده اصلی این تهدید می‌داند که شیوه او نیز دقیقاً مطابق با ویژگیهای جنگ نرم است یعنی حرکتی آرام، تدریجی، بلند مدت و نرم افزارانه. قرآن در این باره می‌فرماید: از گام‌های شیطان پیروی نکنید چه اینکه او دشمن آشکار شماست. جمله (گام‌های شیطان) اشاره به یک مسئله تربیتی دارد و آن اینکه انحراف‌ها و تبهکاری‌ها غالباً به‌طور تدریجی در انسان نفوذ می‌کند نه به صورت دفعی و فوری. مثلاً برای آلوده شدن یک جوان به مواد مخدر و قمار و شراب معمولاً مراحل وجود دارد: نخست به‌صورت تماشایی در یکی از این جلسات شرکت می‌کند و انجام این کار را ساده می‌شمرد. گام دوم شرکت تفریحی در قمار «بدون برد و باخت» و یا استفاده از مواد مخدر به‌عنوان رفع خستگی و یا درمان بیماری و مانند آن است گام سوم استفاده از این مواد به‌صورت کم و به قصد اینکه در مدت کوتاهی از آن صرف نظر کند سرانجام گام‌ها یکی پس از دیگری برداشته می‌شود و شخص به‌صورت یک قمار باز حرفه‌ای خطرناک و یا یک معتاد سخت و بینوا در می‌آید. وسوسه‌های شیطان معمولاً به‌همین صورت است انسان را قدم به قدم و تدریجاً در پشت سر خود به‌سوی پرتگاه می‌کشاند این

موضوع منحصر به شیطان اصلی نیست تمام دستگاه‌های شیطانی برای پیاده کردن نقشه‌های شوم خود از همین روش «خطوات» گام‌به‌گام استفاده می‌کند که در اصطلاح امروزی به آن تهدید یا جنگ نرم گفته می‌شود.

سران جنگ نرم از نگاه قرآن

از دیدگاه قرآن چندین گروه به‌عنوان سردمداران جنگ نرم به‌شمار می‌روند که خداوند به تفکیک از هر گروهی به نامی خاص یاد کرده است که ما در اینجا فقط به ذکر نام تعدادی از آنها می‌پردازیم:

۱، مشرکین: اولین گروه به تعبیر قرآن مشرکین می‌باشند: «وای بر مشرکان همان‌ها که زکات را ادا نمی‌کنند و آخرت را منکران»

۲، منافقین: دشمنانی که در لباس دوست سعی در آسیب زدن به ساختار دین و اجتماع را دارند. «هنگامی که منافقان نزد تو آیند... آنها «منافقان» دشمنان واقعی تو هستند از آنان بر حذر باش خداوند آنها را بکشد چگونه از حق منحرف می‌شوند؟».

۳، سردمداران باطل: می‌گویند: پروردگارا ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و آنها ما را گمراه ساختند.

این سه گروه عمده به‌عنوان دشمنان جبهه حق و سردمداران جنگ نرم بر ضد این جبهه به‌شمار می‌آیند که البته همه آنان به عنوان پیاده نظامان و امیران لشکر سردمدار بزرگ جبهه باطل یعنی شیطان به‌شمار می‌آیند. شیطان می‌خواهد آنها را شدیداً گمراه کند و قسم خورده که احدی از نسل انسان را رها نکند حتی پیامبران را که گمراهی آنها غیرممکن است ولی با وجود این شیطان حتی از تلاش برای گمراهی آنها هم دست نمی‌کشد.

جنگ نرم از نگاه قرآن

جنگ نرم در اصطلاح جنگی است از سوی دشمنان که با رویکرد و سلاح تبلیغی و روانی و به دور از مداخله و اقدامات فیزیکی مستقیم یا غیر مستقیم نیروهای دشمن انجام می‌گیرد و محدوده عملکرد آن به‌جای مرزهای آشکار و مرزهای پنهان بین دشمن و جبهه داخلی متن جامعه و ارزش‌های حق می‌باشد و هدفش تلاش برای تغییر باورها، زائقه‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های پیروان و ملت و امت حق می‌باشد.

تا در نهایت با ریزش نیروهای ارزشی و مردمی و تفرقه‌هایی که داخل جبهه حق صورت می‌گیرد این جبهه از درون به زوال و نابودی یا سستی برود. در جنگ نرم واژه‌هایی چون جبهه دشمن، حق جبهه داخلی، نرم افزار و ارزش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر با این نگاه جنگ نرم را به قرآن عرضه نماییم واژه حق و باطل معرف دو جبهه خودی و غیر خودی خواهی بود و از این منظر هر فرد و گروهی که پرچم‌دار و عامل به دستورات و آموزه‌های الهی باشد در جبهه حق بوده و هر کس غیر از این باشد در گروه باطل است بر خلاف نگاه روشنفکری که انسانها را به سه دسته سفید سیاه خاکستری تقسیم می‌کنند از نگاه قرآنی سرانجام آدم‌ها از منظر تحلیلی و تبیینی یا سفید است یا سیاه.

با توجه به این نگاه قرآنی به مسئله مرزبندی‌ها در جنگ نرم از جهت مصداق شناسی جنگ نرم در قرآن انسان را باید محور مطالعه و منشا و مصداق قرار داد بدین گونه که با انسان شناسی در دو حوزه تاریخی و

اجتماعی میتوان به باز شناسی مصادیق جریان حق بر مبنای انسان و زندگی انسانی پرداخت که می‌تواند مورد هجوم نرم دشمن قرار بگیرد.

نقش خودشناسی و دشمن شناسی در جنگ نرم

این نکته را بارها و بارها رهبر انقلاب در سخنان خود مطرح کرده اند و لزوم شناخت نیروهای خودی و غیر خودی را در جریانهای اجتماعی / دینی گوشزد کرده او به کرات مورد توضیح قرار داده اند که در قرآن مورد اشاره قرار می‌گیرد.

یکی از موضوعات مورد توجه قرآن در مسیر انسان سازی تلاش برای انسان شناسی برای مخاطبین خود است و در این مسیر یکی از مهم‌ترین روش‌ها و شگردهای قرآن بر خلاف دیگر کتب آسمانی و یا کتاب‌های نوشته شده به دست بشر تاکید و تکرار و اهتمام به داستان آفرینش و واشکافی آن از زوایای گوناگون است. این زمینه البته در رویکرد محتوایی مورد توجه قرآن است.

از این منظر با مطالعه قرآن انسان موجودی ترکیبی از جسم خاکی و روح آسمانی بوده که همزمان باعث تجمع نقاط قوت و ضعف متعددی در او شده است و همین آفرینش اعجاب آوری که او را مجمع الاضداد نموده موجب شده که خود حق تعالی را به تحسین خود وا دارد تا چنین بفرماید... ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ با توجه به همین نگاه است که قرآن به انسان‌ها هشدار می‌دهد که در دو مرز بندی حق و باطل اگر در مسیر حق به اوج برسد مسجود تمام کائنات خواهد شد و اگر در مسیر باطل به سقوط برسد «کالانعام بل هم اضل» خواهد گردید. پیش شرط آن صعود و گریز از این سقوط خودشناسی و دشمن شناسی است. آنچه قرآن در این زمینه می‌فرماید نقاط ضعف و نقصان انسانی است که اگر به حال خود رها شود می‌تواند زمینه نفوذ دشمن و باطل و مصداق داخلی و درونی جنگ نرم در نهاد انسان‌ها باشد، مواردی همانند:

ضعیف بودن انسان

ظالم و کافر بودن انسان

عجول بودن انسان

خودخواه بودن انسان

علاقه به شهوات در انسان

قرآن است درآیه ی زیر هشدار می‌دهد که در مسئله خود شناسی در جنگ نرم اگر هیچ دشمن بیرونی هم فرض نشود باز زمینه برای دشمنی و گمراهی هست چراکه ان النفس الاماره بالسوء.

از منظری دیگر وقتی به مطالعه قرآنی ابعاد وجودی انسان از منظر خواسته های قرآن از انسان می‌پردازیم که در قرآن به صورت گسترده در قالب آسیب شناسی استعدادهای رها شده به آن می‌پردازد می‌توان ادعا کرد دامنه وجودی انسانی از منظر دامنه تکلیف و وظیفه شناسی انسان در برابر آفریدگارش چنین است: انسان مکلف در حوزه

۱، اندیشه و ابزار اندیشه و شناخت

۲، گرایش و کشش ها و جهت دهی به آنها «محبت‌ها و تعلق‌ها و باورها و ارزش‌ها»

۳، کنش و منش و روشها «اعمال و رفتار»»

از نگاه این سه حوزه انسانی یعنی عقل و قلب و جسم، دامنه تکلیف و وظیفه انسان نسبت به تمام روابط او را خصوصاً نوع رابطه‌اش با آفریدگارش و وظیفه‌اش در این رابطه تعریف می‌گردد و این سه حوزه است که دامنه مراتب و مصادیق جنگ نرم انسانی را تعریف می‌کند و در این سه حوزه هست که آدمی می‌تواند در مسیر دسته‌بندی قرآنی حق یا باطل باشد. مهم‌ترین مصداق جنگ نرم و تقابل جریان حق و باطل مواردی است که درون نفس غیر رحمانی انسان بر می‌خیزد و ناشی از بازتاب جهل و بستن ابزار شناخت Φ صم بکم عمی Φ از سوی انسان‌ها بر خودشان است. نتیجه این وضعیت عدم تعقل و تفکر و تدبر و تعطیلی قوای عقل و قلب و فطرت می‌باشد. ثمره‌ی این اتفاق در حوزه معرفتی و شناختی مهم‌ترین دستاورد و بازتابی که در زمینه تعلقات و گرایش‌ها برای انسان ایجاد می‌کند، ایجاد انحراف در تعلق‌ها و حب‌ها و بغض‌های انسانی است که قرآن از آن به تعبیر حب الدنيا «و مصادیقی همانند حب الشهوات + تحبون العاجله...» اشاره می‌نماید و آنگاه که این انحراف بزرگ در ناحیه گرایش‌ها و تعلق‌ها و باورهای آدمی رخ داد بازتاب این فرآیند درونی از عقل و قلب بر حوزه آشکار و بیرونی انسانی یعنی گفتار و کردار او در قالب‌های همانند کفر، نفاق، ریا، تظاهر، دروغ و... تجلی پیدا می‌کند.

از منظر قرآن مهم‌ترین و اولین مرحله از وادادگی در جنگ نرم، خود فراموشی و خود ناشناسی و فاصله انداختن بین انسان و خود واقعی او به معنی باز شناسی ابعاد وجود حقیقی و استعداد و ضعف شناسی ذاتی می‌باشد.

شیطان خود را در معرض مقایسه و محاسبه نفس بین خود و دیگران از مخلوقات قرار داد و رابطه خود و آفریدگار را فراموش کرد و همین باعث لغزش او شد. این لغزش: کبر و کفر او را در مواجهه و در رابطه‌اش با حق تعالی برایش ایجاد کرد و در مواجهه و رابطه‌اش با انسان نفرت و کینه و دشمنی برایش به‌همراه آورد، آنگاه که شیطان به انسان سجده نکرد و از آنجا که سنت خداوند مهلت دادن است نه عذاب سریع، شیطان تلاش خود را برای به زمین زدن انسان شروع کرد. از این جا بود که سنگ بنای دشمنی و جنگ پایه گذاری شد. در این نزاع اقبال به عبودیت نسبت به حق تعالی عنوان حق به خود گرفت و استکبار در برابر حق تعالی عنوان باطل به خود گرفت و بدینگونه بود که ابعاد و افراد نزاع هم تعریف شد.

در این میان بحث مهم روش و ابزار و چگونگی این تقابل و جنگ نرم می‌ماند: و از جهت تفاوت ماهیت انسان و جن و هم‌چنین به جهت اشرف بودن انسان‌ها که چیزی در آفریدهای حق تعالی کامل‌تر و برتر از انسان نیست: هیچ‌گونه قرینه‌ای برای تسلط و یا قدرت و یا زمینه نفوذ فیزیکی آشکار از سوی شیطان بر انسان‌ها وجود ندارد.

بله از جهت اینکه نفس انسانی دارای مرتبه نفس اماره است و این نفس همانند جن و ابلیس غیر مادی و غیر حسی است پس بین آن دو سنخیت و همانندی وجود دارد و همین ویژگی تنها نقطه نفوذ شیطان بر آدمیان را فراهم می‌کند.

یعنی اغوا و وسوسه‌گری نفس آدمی «نفس اماره» و قوت بخشی بر اغواها و وسواس‌های درونی خود آدمی، پس تنها راه و ابزار ابلیس برای زمین زدن رقیب‌اش استفاده از روشی است که امروزه «جنگ نرم» نام گذاری شده است. یعنی تلاش برای اثر گذاری و دگرگونی تدریجی اندیشه و گرایش‌های انسان با کمک وسوسه و اغواگری و دامنه این جنگ نرم از لحظه آغاز ترمز ابلیس از بهشت آدم شروع گردیده و تا زمان

ظهور ادامه خواهد یافت. این جنگ در حقیقت مادر و زیر بنای تمام جنگ‌های سرد و نرم تاریخ می باشد چرا که با قسمی که ابلیس پس از طردش از ملکوت خورد، تصمیم گرفت با تمام استعداد و توان خود به اغوا و گمراهی حداکثری انسانی از جهت کمی و کیفی دست بزند در نتیجه ورطه ی سخت آزمایش انسان آغاز شد.

شیطان به گسترش جبهه باطل پرداخته و انواع جنگ های سرد و گرم و نرم را راه انداخت. از منظر تحلیل تاریخی و اجتماعی قرآن، شیطان منشا تمام دشمنی ها و دسته بندی ها و جناح سازی‌ها در برابر انبیا و اولیا حق در لحظه لحظه تاریخ، مدیر پنهان جریان باطل می باشد و هدف آن راهبرد و پیشبرد سیر تاریخ بشریت به سوی جلسه جهانی آخر الزمانی با رویکرد ظلم و فساد «شیطنت انسانی مشهود» حداکثری و جلوگیری از تحقق رخداد ظهور مهدی موعود با هدف تحقق بهشت عبودیت و عدالت جهانی می باشد.

همان گونه که در ماجرای سقیفه شیطان یکی از حاضران آن جلسه بود که نتیجه ی آن قصب حکومت از حضرت علی (ع) و ظلم به خانواده ی پیامبر و دختر پیامبر اسلام که عزادار پیامبر بودند منجر شد. دشمنان کینه توز که نابودی اسلام را نشانه گرفته اند به کمتر از این راضی نمی شوند، در کنار ستیز و مبارزه با رهبر و مکتب، مردم را که پشتوانه محکم آن دو هستند هدف تیرهای زهرآگین خود قرار داده اند تا از این طریق جامعه اسلامی را به نابودی بکشانند.

دشمن در جنگ نرم شیوه های متفاوتی برای گمراه کردن پیروان حق بکار می گیرد که بی شک برای مقابله با هر یک از آنان نیز باید چاره‌ای اندیشید، تا جنگ نرم او را خنثی کرد.

اشاعه فساد و فحشا

اشاعه فساد و فحشا یکی از برنده ترین تیغهای دشمنان در مبارزه با طرفداران حق بوده که خدای متعال در قرآن کریم علت انحراف و گمراهی برخی امت ها را همین امر معرفی کرده، بیان می کند که: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ؛ سپس در پی آنها جانشینانی آمدند که نماز را ضایع کردند و از شهوت‌های (نفس) پیروی کردند.» راه های دشمنان برای جلوگیری از بیداری قدرت خفته مسلمانان به همین موارد محدود نمی گردد، خدای متعال در این زمینه می فرماید:

و از مردم کسانی هستند که سخنان لہو و بی‌هوده را می‌خرند (مانند: ترانه‌های فاسد، اشعار و گفتارهای رکیک، بهتان و غیبت‌سرایبی، رمان‌ها و افسانه‌های فسادانگیز و غیره) تا مردم را از راه خداوند گمراه سازند.»، وحشت و هراس دشمنان از بیداری و قدرت ناشناخته مسلمانان به حدی است که به هر شکل ممکن سعی در فاسد کردن افراد و سپس جامعه اسلامی دارند، در این راستا حاضر به صرف هزینه های هنگفت و اعمال سیاستهای ضد بشری هستند به شکلی که با راه اندازی ماهواره ها و شبکه های مخرب در تلاشند روح و روان جوانان ایران را به فساد و فحشا بکشانند و با انواع مواد مخدر جسم آنها را نابود کنند. دشمنان هر روز با صرف هزینه های هنگفت که از طریق کنگره ی امریکا تصویب می شود و نمونه ی مکانی است که شیطان در آن حاکم است به مبارزه با اسلام می پردازند به گونه ای که در عراق به گفته ی خودشان هزینه ای که برای کنار زدن مسلمانان و شیعیان از حکومت هزینه کردند بیشتر از هزینه ای بود که در برای جنگ ایران و جنگ کویت پرداخت کرده اند. خدای متعال در این باره می فرماید:

آنها که کافر شدند، اموالشان را برای بازداشتن (مردم) از راه خدا خرج می‌کنند.»

امروزه دشمنان جریان حق و دین با صرف هزینه های کلان آنهم به صورت علنی سعی در به انحراف کشاندن جوامع بشری دارند، و دربارتر اینکه در جامعه اسلامی ما عده ای در ادامه فعالیت‌های دشمنان برای اشاعه فساد با آنها همصدا شده اند.

ترویج اباحه‌گری از سوی برخی جریان‌های برانداز و تلاش برای حذف برخی اهرم‌های بازدارنده چون گشتی‌های نظارت و ارشاد نیروی انتظامی، همه در پروسه نابود کردن و تبدیل کردن عاقبت کار انقلاب به عاقبت اندلس است. راهکار مقابله با این جنگ نرم دشمن چیزی جز نهادینه کردن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه و همکاری با نیروهای انتظامی در پاکسازی جامعه از این عناصر و توجیه جوانان نیست امری که متأسفانه در جامعه ما رو به فراموشی و تعطیلی است.

یکی از شگردهای دشمنان منافق برای اغفال و انحراف پیروان مکتب حق استفاده از پوشش زیبا و جذّاب برای کارهای مخرب خود است، خدای متعال در این زمینه می فرماید: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ؛ و هنگامی که به آنان گفته شود: «در زمین فساد نکنید» می‌گویند: «ما فقط اصلاح کننده‌ایم!» در تفسیر نمونه در ذیل این آیه شریفه می فرماید: «سپس به ویژگی‌های آنها اشاره می‌کند که نخستین آنها داعیه اصلاح‌طلبی است در حالی که مفسد واقعی همانها هستند: هنگامی که به آنها گفته شود در روی زمین فساد نکنید می‌گویند ما فقط اصلاح کننده‌ایم! ما برنامه‌ای جز اصلاح در تمام زندگی خود نداشته و نداریم»!

امروزه هم دشمنان اسلام و بشریت، با بهره‌گیری از عناوینی مانند اصلاح طلبی و دفاع از حقوق بشر بر ضد ارزش‌های دینی می نویسند، در یکی از نشریات مدعی اصلاح طلبی می نویسند: «همین دیه و قصاص و حدّ زنا و قطع دست و... همه عرفی و مردمی و بشری بوده... به نظر من می توانند آنها را بردارند و اصلاحشان کنند».

سوق دادن جامعه به سوی شخصیت‌شناسی جریان‌ها، در کنار به چالش کشاندن این افراد و افکار آنان از سوی نخبگان جامعه امری ضروری است.

دشمنان با راه اندازی پایگاه‌های جاسوسی برای رخنه در جوامع دینی و به دست آوردن اطلاعات در رابطه با افکار و گرایش‌های افراد و جامعه و پیدا کردن نقاط ضعف و قابل رخنه در بُعد فرهنگی و امنیتی و نظامی، از طرق و شیوه‌های مختلف در پی فتنه‌انگیزی هستند و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند. کشف و افشای پایگاه‌های جاسوسی و معرفی افراد مشکوک و مرموز می‌تواند گلوگاه‌ها و طراحان جنگ نرم و ستون پنجم دشمن را افشا و مانع حرکت‌های براندازانه آنها بر ضد نظام شود.

بالا بردن بصیرت فرهنگی

بهره‌گیری از روش‌های گوناگون برای به تسلیم کشاندن جبهه حق و بکارگیری تاکتیک‌های متفاوت، اصلی مهم برای جبهه باطل است. یکی از این روش‌ها متقاعد کردن جبهه حق به تعامل با جبهه باطل زیر نام تعامل فرهنگی و رابطه‌ی فرهنگی با سایر تمدن‌های دیگر است.

شکی نیست که داشتن رابطه فرهنگی با سایر فرهنگ‌ها برای رشد جامعه ضروری است و باید با فرهنگ‌های دیگر ارتباط داشت - ولی نباید این رابطه‌ی فرهنگی به خودباختگی فرهنگی منجر شود و افراد در مقابل فرهنگ بیگانه خود دچار ترس و حقارت شوند و در برابر تکنولوژی و علم آنها ایمان خود را ببازند - چرا که

در غیر این صورت جامعه دچار جمود فرهنگی و عقب ماندگی خواهد شد ولی این مقصود زمانی حاصل می شود که این تعامل در یک شرایط کاملاً مساوی قرار گرفته می باشد. امروزه شرایط کاملاً نامساوی است و فرهنگ غرب در صدد تسلط بر فرهنگ های دیگر است از این رو امام خمینی به این نکته اشاره کردند. که «ما از حصر اقتصادی نمی ترسیم ما از دخالت نظامی نمی ترسیم آن چیزی که ما را می ترساند وابستگی فرهنگی است».

و نیز مقام معظم رهبری فرمودند: «کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی دارد می کند یک تهاجم فرهنگی، قتل عام فرهنگی و شبیخون فرهنگی است».

باید از یاد نبرد که حرکتی که غرب در مقابل فرهنگ اسلامی و ایرانی ما سازماندهی کرده است همان حرکتی است که قرآن به آن اشاره کرده است و آن عقب نشینی از همه ارزشها است. خدای متعال در قرآن به پیامبر تذکر می دهند:

کفار از شما راضی نمی شوند مگر اینکه شما فرهنگ و دین خود را کنار بگذارید و از دین آنها پیروی کنید. این سیاست امروز در جنگ نرم دشمن دنبال می شود زیرا کم هزینه ترین و مؤثرترین شیوه مبارزه با فرهنگ قرآنی در پوشش ایجاد رابطه فرهنگی صورت می گیرد. بالا بردن بصیرت فرهنگی مسئولین، برپا کنندگان سمینارها و همایش نسبت به موضوعات مطروحه در نشست های به اصطلاح علمی و فرهنگی قبل از برپایی و نقد عالمانه مسائل مطروح در نشست های علمی و فرهنگی یکی از راهکارهای مقابله با جنگ نرم است.

حمایت از نخبگان

دشمن برای تحقق مقصود خود نیازمند به یاریگیری است و از راههای مختلف چون رسیدگی به امور مادی یا با تشویق و ایجاد منزلت اجتماعی سعی در افزودن یاران خود و شمار پیاده نظام خود است. در صدر اسلام منافقین و منفعت طلبان به تطمیع اقشار مختلف خصوصاً نخبگان می پرداختند. یکی از شیوه های منافقین، جلوه دادن ذلت همراهی مؤمنان و عزیز شدن در دوری از مؤمنان و جبهه حق است که این روزها به مقبولیت جهانی و بین المللی معنا می شود و با این شیوه درصدد فرار مغزها و یا گرفتن تأییدی علمی و رسانه ای از سوی آنان است.

قرآن پاسخ آنان را چنین بیان می کند:

عزت واقعی و منزلت واقعی در نزد خدا و رسول و مؤمنین است، نه در نزد کفار.

حمایت مادی و معنوی در کنار توجیه نخبگان جامعه، به حقانیت راه اسلام و انقلاب به عنوان فرماندهان و افسران جنگ نرم می تواند یکی از راهکارهای مقابله با جنگ نرم دشمن و جلوگیری از ریزش ها باشد.

قرآن کریم مقابله با شیطان را در محورهای زیر توصیه کرده اند:

۱- نگهبانی از آرمانهای اسلام و انقلاب

۲- واکنش مناسب در برابر وسوسه های شیطان و دشمنان

۳- استعاده و استغفار در برابر خداوند

۴- پایداری، برخورد خصمانه و انهدام مواضع دشمنان

۵- کار مضاعف و تلاش مضاعف برای رشد جامعه ی اسلامی

۶- ترویج فرهنگ دینی

دشمن ما حالت تهاجمی دارد و از هر سو حمله می کند از این رو ساختن مواضع دفاعی برای نجات، امری لازم و ضروری است، دژی که متناسب با جان ماست جز تقوا نیست تقوا یعنی حفظ حریم الهی در بیرون از جان و حرم الهی در درون جان، قرآن کریم تقوا را لباسی بر اندام جان آدمی می داند که آن را به خوبی حراست می کند.

خدای متعال راه خروج از کجی ها، انحرافات و بحرانها را در تقوای الهی می دانند زیرا در اثر تقوا الهی انسان دچار خود بزرگ بینی و هوا پرستی نمی شود و هر چه انسان با خدا صادق تر باشد راه برای او بازتر می شود و هیچگاه در تاریکی و ابهام سرگردان نمی ماند. نگاهی به کسانی که در مقابل جریان حق ایستاده و در فهرست ریزشها قرار گرفته اند گویای این واقعیت است که آنان از دایره تقوا خارج شدند.

هر آنچه که بخواهد وارد مملکت جان شود یا هر سخن و نوشتار و هر ایده و نظریه ای که بخواهند از هر فردی در جامعه صادر شود، باید مجوز الهی و مهر شرعی داشته باشد، آنچنان که خدا اجازه فرموده است. محاسبه و تحقیق و بازنگری دوباره به گفتارها و رفتارها می تواند انسان را از افتادن به دامها برهاند قرآن کریم می فرماید:

(ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید و هر کس باید بنگرد که برای فردایش چه فرستاده است و از خدا بترسید که خدا به کارهایی که می کنید آگاه است.)

هر نوع وسوسه ای از طرف دشمن، واکنش مناسب و در خور خود را می خواهد. اصل اساسی در مورد واکنش مناسب در برابر وسوسه های دشمن به ویژه در مورد رابطه ی انسان با خدا، معرفت است، معرفتی که رابطه ی مستقیم با گنجایش قلب ما دارد و هر چه گسترش یابد، قدرت و توان ما را در فهم وسوسه ها و چگونگی برخورد با آنها افزایش می دهد. معرفتی که رهبری انقلاب از آن به بصیرت یاد کردند، به یقین واکنش مناسب و در خور در مقابله با جنگ نرم نیازمند بالابردن سطح معلومات و اطلاعات عمومی... است.

استعاذه واستغفار

آیات متعددی ما را به چنین روشی توصیه می دهد:

وَإِذَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

(و اگر از جانب شیطان در تو وسوسه ای پدید آمد به خدا پناه ببر، زیرا او شنوا و داناست)

(بگو: ای پروردگار من، از وسوسه های شیطان به تو پناه می آورم و به تو پناه می آورم، ای پروردگار من، اگر نزد من حاضر آیند.)

مقاومت و برخورد خصمانه در برابر دشمن، حکم عقل سلیم است که می گوید: دشمن، دشمن است و در برابر او انعطاف و مسامحه هرگز روا نیست. این مقاومت در جنگ نرم هم یکی از اصول اساسی است.

اولین راهکار دشمن در بکارگیری جنگ نرم غفلت از خدای متعال است و این مهمترین شیوه و مؤثرترین شگرد جبهه باطل است که بوسیله مشغول کردن انسانها به دنیا و انکار خدای متعال و خالق یکتا بشر را از دوست و قدرت واقعی جدا سازند.

بی شک مصادیق سرگرمی شیطانی در دنیا فراوان است که خدای متعال انسان را در مواقع مختلف به آن تذکر داده است که از شیطان غفلت نکنند. خداوند در قرآن می فرماید:

(ای انسان در عهد نخستین بامن خدا عهدبستی که از شیطان پیروی نکنی همانا مهمترین دشمن آشکار شما شیطان است) .

نام و یاد خداوند سبحان تنها راه رستن از دام شیطان است و خدای متعال می فرماید:

اذکرونی اذکرکم (بیادمن باشید تا بیاد شما باشم) .

یاد کردن خدا از انسان به معنای کمک در مواقع سخت و نشان دادن راه هدایت و فلاح در دوره شبهه افکنی ها و شبهه آفرینی ها است .

بهترین پشتوانه و تکیه گاه در جنگ نرم خداست و باید در این راه بر او توکل کرد و هر کس که واقعا توکل بر خدا کند خداوند نیز او را کفایت می کند معنی درست توکل بهره گیری از همه ی امکانات با توجه به عقل و امکانات مادی و معنوی و برنامه ریزی دقیق است .

خداوند متعال می فرماید:

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ

در نگاه قرآن برخلاف نگاه مادی، فرجام تاریخ پیروزی اهل حق بر باطل است و با فرهنگ مهدویت پیروزی قطعی و روشن با اهل حق آشکار می شود و این اعتقاد به انسان مؤمن نیرو و قوتی وصف ناشدنی می بخشد که قابل مقایسه با هیچ مکتبی نیست .

اعتقاد به وراثت و خلافت بر زمین و پیروزی حق و اهل حق در پیش روی مؤمنان و تأکید و تکرار ادعیه های عصر ظهور را می توان نقطه امیدبخشی برشمرد که هر انسان مؤمنی را در مقابله با جنگ نرم دلگرم تر و در ادامه مسیر مصمم تر می کند .

روش پیامبر (ص) در قرآن مجید این است که در صحنه اجتماعی واقعاً با دشمنان کمال عداوت و دشمنی را داشت و نسبت به دوستان و مؤمنان کمال محبت را روا می داشت .

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ

از این رو مؤمنان باید کاملاً با محبت و رأفت با هم برخورد کنند و نسبت به کفار و منافقین باشد. مثل یک پیکر محکم و خلل ناپذیر باشند .

این مؤلفه خود به خود از ایجاد شکاف بین مؤمنین جلوگیری می کند، راه را بر گسترش شایعات می بندد و در مواقع حساس، آنان را به هم پیوند می زند، باید به این نکته توجه داشت که شگرد دشمن در مقابل جریان حق از ایجاد کینه نسبت به یکدیگر شروع می شود تا به نفرت درونی و بیرونی و برادرکشی منجر شود و در نهایت در جبهه حق تفرقه ایجاد گردد .

شیطان اول دشمنی را بین مومنان ایجاد می کند و کم کم صف واحد آنها را دچار آسیب می کند، در مقابل این شگرد دشمن، خدای متعال دعوت به وحدت و چنگ زدن به ریسمان الهی را راهکار اصلی مبارزه با جریان باطل می داند .

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا أَل

«به ریسمان الهی چنگ بزنید و تفرقه را کنار بگذارید» . البته ریسمان الهی در روایات به ولایت اهل بیت :

تفسیر شده است. یعنی اگر می خواهید دشمن بر شما پیروز نگردد باید مؤمنان ولایت معصومین (ع) را با

تمام جهات آن قبول کرده و به آن پایبند باشند و نیز فرمود: تنها راه تقرب به سوی خدا و محبت و عشق به خدا پیروی از راه اهل بیت است.

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بر همگان آشکار است که در زمان غیبت امام معصوم (ع) تنها راه رستگاری دوستی و پیروی از ولی فقیه است که راه را از چاه باز می شناسد و در شب فتنه چراغ مؤمنان است.

نتیجه (حسن پایان)

اسلام به مسلمانان تاکید می کند که در برابر کفار باید استاد و سست نبود چنان که در قرآن اشاره می فرمایند که خدا در برابر کسانی که مکر می کنند مکر می کند و آنچه را شایسته است به خود آنها باز می گرداند. اسلام راه هدایت را در تمام زمینه ها از جمله این مورد در دست نائبان خود ولی فقیه زمان قرار داده تا جامعه را از افتادن در دام تهاجم فرهنگی نجات بخشند.

رهبر انقلاب می فرمایند: بازگشت به گذشته و بررسی آنچه کرده ایم انتخاب سیاستهای آینده را سهلتر می کند. نخستین نشانه های تهاجم فرهنگی پس از ارتحال حضرت امام خمینی (ره) پدیدار شد. دشمنان انقلاب اسلامی با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، به خوبی دریافته اند که برای فروپاشی این بنیان مرصوص، راهی جز نابودی پایه های فکری و اعتقادی آن وجود ندارد، همچنان که از تصریح بدان نیز هیچ ابایی نداشته و ندارند.

در زمان حال ولی فقیه و امام مسلمانان جهان رهبر معظم انقلاب است که با رهنمودها و پندهای حکیمانه ی خود راه را بر دشمنان می بندد و پیوند و اتحاد بین ملت را حفظ می کند و با آموزه های خود ملت را در راه کمال هدایت می کند.

به این شکل است که در سال جدید با رهنمود و سخن فاضلانه ی همت مضاعف، کار مضاعف تمام مسلمانان و ایرانیان را مکلف کرد تا با تلاش، غرور خود را بالاتر ببرند و اجازه ندهند که کشور ایران و مسلمانان در مقابل کشورهای غربی احساس حقارت کنند چرا که یکی از موارد جنگ نرم که رهبر انقلاب به وجود آن پی برده اند - قرآن و ائمه اطهار هم به آن اشاره کرده اند و به شکلی که امامان ما کار در زیر آفتاب را برای مرد عبادت می دانند و مرگ در راه کار و روزی حلال برای خانواده را فیض شهادت می دانند - رکود و سستی در بین جوانان یک کشور است تا آنها را به جای کار به حسرت و تعریف و تمجید از کشورهای بیگانه وادارد در حالی که رهبر انقلاب با درک این خطر بزرگ و با نام گذاری این سال به این نام به دشمنان اسلام و ایران نشان داد که ملت اسلام دچار رکود و سستی نشده اند و برای به دست آوردن کمال علم و دین از هیچ کوشش و تلاشی فروگذار نمی کنند و هیمنه ی علم و ثروت غرب برای مسلمانان شکسته شده و دیگر نمی توانند با این شیوه بر مسلمانان تاثیر بگذارند و آنها را از فرهنگ خود زده کنند بلکه ملت ایران با عمل به رهنمودهای رهبر خود در تلاشند تا بهترین ها را برای امت اسلامی فراهم کنند و همه ی اینها در سایه ی امام زمان و رهنمودهای رهبر انقلاب محقق خواهد شد.

فهرست منابع:

-قرآن کریم

-تهج البلاغه

-جلسات تفسیر قرآن مرحوم آیت اله نجومی حسینی

-پیام فضلی نژاد، شوالیه های ناتوی فرهنگی

-ماهنامه پگاه حوزه، ش ۲۵۲

-ایران فردا، تیر ماه ۱۳۷۸